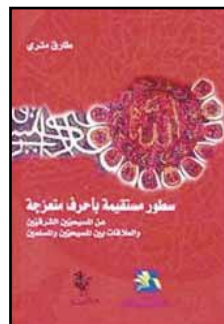


سطور مستقیم با حروف مورب:

ارتباط مسیحیان شرقی و مسلمانان

• سعید زعفرانی زاده

- سطور مستقیمه با حروف متعرجه
- طارق متری
- دارالنهار - دانشگاه بلمند
- بیروت، ۲۰۰۷م



ارتباط این امر را با تحولات خارجی و تغییرات داخلی کشورهای عربی بررسی می‌کند.

متری معتقد است که اجتماع مسیحیان و مسلمانان عرب در حوزه‌های ایمان و اخلاق از زندگی در محیط مشترک و متون دینی و تجربه‌های معنوی نشئت می‌گیرد. اما این‌ها خود باعث ایجاد وحدت ملی نمی‌شود، چرا که شباهت در مسائل دینی لزوماً وحدت‌زا نیست، چنان‌که تفاوت مذهبی حتماً باعث تفرقه و دوری نمی‌شود و زندگی در محیط مشترک در درجه نخست موضوعی صرفاً مذهبی نیست؛ اگرچه می‌تواند موضوعی دینی تلقی شود. در این‌جاست که اثر فرهنگ گفت‌وگو میان مسلمانان و مسیحیان در تجدید این زندگی مشترک آشکار می‌شود که می‌تواند به نقد آن‌چه متری از آن به عنوان «جوهره و طبیعت قومی» یاد می‌کند، بینجامد. بر این اساس، هر گروه و جمعیتی هویت خاص و ویژگی‌های ثابتی دارد که در سایه هویت دینی شکل گرفته و بر آن اساس استواری یافته است. بی‌گمان گفت‌وگو می‌تواند فرهنگ دینی را از سیطره فرهنگ قومی برهاند. این امر از طریق بازگرداندن دین به جایگاه مذهبی آن ایجاد می‌شود تا بار دیگر با شرح وظایفی جدید به جایگاه اجتماعی خود بازگردد.

متری معتقد است که اگرچه دین نقشی در محنت‌های گذشته و حال لبنان نداشته است، رهبران مذهبی با اینکه همواره این امر را تکرار کرده‌اند، اقدام به نقد تفکر قومی ننموده‌اند. اگر مناسبات

نویسنده این کتاب، دکتر طارق متری، وزیر فرهنگ لبنان و یکی از بنیان‌گذاران مرکز گفت‌وگوی لبنان است. وی دانشمندی ممتاز است که تأثیر چشمگیری در برپایی گفت‌وگوهای میان اسلام و مسیحیت دارد. کتاب وی از این‌رو اهمیت بسیار دارد که در خلال آن فهمی عمیق از میراث دینی شرق و توجهی هوشیارانه به دین و سیاست در غرب به چشم می‌خورد. طارق متری که استاد شماری از دانشگاه‌های جهان عرب و غرب بوده است پیش از این کتاب، شهری بر کوه: دین و سیاست در آمریکا را منتشر کرده است.

متری در کتاب سطور مستقیم با حروف مورب جوانب مختلف روابط مسیحیان و مسلمانان را در جهان عرب و نیز ارتباط آنان را با جهان پیرامون در قرن بیستم، بررسی می‌کند. هم‌چنین، او جایگاه مسیحیان شرقی را در جهان عرب از زمان آغاز دعوت اسلام بیان می‌کند؛ زیرا اعراب، پیش از اسلام با مسیحیت آشنا بوده‌اند و این آیین در میان شماری از قبایل عرب رواج داشته است.

نویسنده پس از این به سرنوشت مسیحیان و مسیحیت در مشرق عربی و تحلیل جنبه‌های گفت‌وگو میان مسیحیان و مسلمانان و تغییر و تحولات این موضوع می‌پردازد. در این میان وی به کاهش حضور و تأثیر مسیحیان عرب طی نیم‌قرن گذشته در جایگاه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اشاره کرده،



مذهبی است. همچنین، ناکامی فرایند نوسازی در کشورهای عربی تأثیر بسزایی در کاهش فعالیت مسیحیان عرب دارد. دولت‌های عربی از انجام دادن توسعه و پیشرفت مطلوب در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ناتوان بوده‌اند و تاکنون دموکراسی و تساوی میان شهروندان در حقوق و وظایف برقرار نشده است.

طارق متری همچنین در میان برخی از عوامل کاهش نقش مسیحیان، به برخی از مظاهر موجود در کلیساهای مسیحی اشاره می‌کند. در این کلیساها بر احیای دینی تأکید می‌شود و برای حفظ وابستگی‌های قومی و افزایش انسجام مسیحیان تلاش می‌شود که از نهادهای جدید استفاده کنند. در مقابل، باید توجه داشت که مواضع مسیحیان عرب یکی از حلقه‌های اساسی مورد توجه در جنبش‌های تندرو اسلامی است. این جنبش‌ها با ربط دادن مسیحیان با غرب و یکی انگاشتن آن دو به دشمنی با مسیحیان می‌پردازند.

متری در این کتاب با بیان پیش‌نیازهای گفت‌وگو میان مسیحیان و مسلمانان معتقد است که فرهنگ گفت‌وگو میان ادیان به روحیه‌ای آماده برای تحمل دیگری نیاز دارد. توجه به تعدد و گوناگونی ادیان مبتنی بر فهمی گسترده از ایمان است که بر اساس آن دست خداوند همه انسان‌ها را به گونه‌ای به سوی خود هدایت می‌کند.

لازم نیست که گفت‌وگو حتماً به توافق منجر شود. با این همه، دشواری‌های فراروی این راه بسیار است؛ چرا که بسادگی نمی‌توان ذهنیت مسیحیان را درباره مسلمانان تغییر داد، هم‌چنان که مسلمانان بسادگی نمی‌توانند گذشته آکنده از احساس تردید را در قبال مسیحیان کنار بگذارند و به نیت کلیسا درباره خود اعتماد کنند.

طارق متری بر این اعتقاد است که کثرت اقوام و طوایف در مقابل انگشت‌شمار بودن ادیان و مذاهب این گفت‌وگو را به مواجهه‌ای از انواع رقابت برای دستیابی به قدرت تبدیل کرده است. استفاده از زبان دین برای دفاع از منافع مورد توجه اقوام مختلف باعث شده است که طرف‌های گفت‌وگو نتوانند آن‌چه را طرح آن لازم یا زیان‌بخش است به درستی تعیین و مشخص کنند.

منبع: البیان

مبتنی بر رویارویی و رقابت قومی مانع از این نقد شود، دیگر مجال گسترده‌ای برای گفت‌وگو نمی‌ماند.

نویسنده برای نشان دادن نحوه تعامل مسیحیان و مسلمانان به تاریخ رجوع می‌کند. هنگامی که اسلام ظهور کرد مسیحیان این دین جدید را رقیب دین خود نیافتند، بلکه در طول دوران اسلامی تحت حمایت دولت جدید قرار گرفتند. تاریخ تمدن اسلامی نشان‌دهنده نقش چشمگیر مسیحیان شرقی در ایجاد دستاوردهای فکری، هنری، ادبی و فرهنگی در این تمدن است. مسیحیان شرقی همچنین در فتوحات سپاه اسلام همکاری داشته‌اند.

در مقابل، درگیری امپراتوری بیزانس با مسلمانان بر مناسبات مسلمانان و مسیحیان در آن دوره تأثیرات نامطلوب داشت. این نزاع با پیروزی سریع و پیش‌بینی نشده سپاه اسلامی و شکست سپاه بیزانس شدیدتر شد. با این همه، این تشنج در مناسبات، مانع از فعالیت مسیحیان شرق در بیدارسازی جوامع عرب بویژه در دو قرن نوزدهم و بیستم میلادی نشد.

مسیحیان شرق راه خود را از میشران غربی و رویکرد سیاسی آنان جدا کردند و با تأکید بر روابط مستحکم تمدنی میان اعراب و اسلام در جریان نهضت عربی مشارکت داشتند. آنان به جمع میان پایبندی به ریشه‌های شرقی خود و استقبال از افکار جدید غربی رسیدند.

طارق متری در ذکر علل کاهش نقش مسیحیان، وقوع جنگ‌های صلیبی و حملات مغول را علت اصلی این امر می‌داند؛ مسیحیان شرقی نیز جنگ‌های صلیبی را نوعی تجاوزگری می‌دانند و خود نیز از تبعات آن آسیب دیدند. با این حال، برخی از حمایت‌های مسیحیان و همکاری آنان در این حملات باعث نوعی دشمنی میان طرفین شد که در کتاب‌های بعدی نمود یافت. پس از این، نوبت به تعامل غرب با جهان اسلام و استفاده از دین برای تقویت مواضع سیاسی در درون امپراتوری عثمانی می‌رسد. سقوط قسطنطنیه به دست مسلمانان عثمانی باعث رواج رویکردی میان مسلمانان شد که چیرگی سیاسی و نظامی ترکان عثمانی را دلیلی دیگر بر تفوق اسلام بر مسیحیت به شمار می‌آورد.

تحولات و تغییرات زیربنایی در کشورهای عربی و اسلامی علت اصلی کاهش تأثیر و فعالیت مسیحیان است. افزون بر این، مهاجرت مسیحیان عرب به کشورهای غربی نشان‌دهنده نومیثی آنها از همزیستی توأم با احترام و به دور از هرگونه تبعیض نژادی و